



ساختوساز در اطراف پیکره بودا متوقف شد؛

اما نگرانی‌ها هم چنان باقی است



طالبان دو روز پیش در یک اقدام غیرمنتظره دستور آغاز کار ساختوسازهای خودسر را در «بازار کهنه» بامیان صادر کردند. دستوری که با واکنش باشنده‌گان محل و باستان‌شناسان روبه‌رو شده است. هرچند طالبان پس از واکنش صریح یونسکو کار ساختوساز در اطراف پیکره بودا را توقف دادند، اما نگرانی‌های باشنده‌گان بامیان و باستان‌شناسان هم‌چنان پابرجا است.

۳



موافقت‌نامه دوحه حدود دو نیم سال پیش میان زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی گروه طالبان در قطر امضا شد. بر مبنای مفاد این موافقت‌نامه، طالبان تعهد کرده‌اند که رابطه‌شان را با القاعده قطع می‌کنند و به گروه‌های تروریستی که تهدیدی برای منافع آمریکا به شمار می‌روند، اجازه حضور و فعالیت در افغانستان نمی‌دهند.

تقاضای توافق‌نامه دوحه؛

آیا افغانستان به پایگاه فعالیت تروریستان مبدل شده است؟

۳

معمای کشته شدن الظواهری

۴

آینده القاعده؛ آیا جهان امن‌تر می‌شود؟

آمریکایی‌ها در ۳۰ جولای ۲۰۲۲ ایمن الظواهری، استراتژیست عملیاتی و رهبر القاعده را در قلب کابل کشتند؛ عملیات سری، برنامه‌ریزی شده و منظم برای هدف‌گیری رهبر یکی از مخوف‌ترین گروه‌های تروریستی جهان که عنوان مادر تروریسم جهانی را با خود حمل می‌کند، انجام شد. بعد از سال ۲۰۰۱ آمریکا رهبران القاعده را به‌گونه مداوم تعقیب کرده و هدف قرار داده است.

۴



انقلاب عشق؛

تاثیر از رواج‌های عاشقانه بر سبب سیاست و اجتماع



• درباره‌ی عشق •

۶

معاون فرمانده قول‌آردوی ۲۱۷ عمری طالبان در یک هفته تاجیکستان را تسخیر می‌کنیم

۸ صبح، تخار: منابع محلی در ولایت تخار می‌گویند که معاون فرمانده قول‌آردوی ۲۱۷ عمری طالبان گفته است که نیروهای آنان قادرند در یک هفته کشور تاجیکستان را تسخیر کنند.

منابع روز سه‌شنبه، ۱۱ اسد، می‌گویند که ملا جان محمد حمزه، مشهور به ملا جانو، معاون قول‌آردوی ۲۱۷ عمری طالبان در ولایت تخار، گفته است که نیروهای آنان قادرند در یک هفته تاجیکستان را تسخیر کنند.

او این سخنان را روز گذشته در حضورداشت وزیر امر به معروف و نهی از منکر طالبان که به تخار سفر کرده بود، بیان کرده است.

معاون قول‌آردوی عمری طالبان به تاجیکستان هشدار داده و افزوده است، در صورتی که این کشور دست از «مداخله‌ها در امور داخلی افغانستان نکشد و روسیه پشت تاجیکستان قرار نگیرد»، این کشور را ظرف یک هفته تسخیر می‌کنند.

گفتنی است که ملا جان محمد حمزه در سقوط ولایت تخار نقش برجسته داشت. او تنها فرمانده پشتون تبار است که به کشور تاجیکستان هشدار داده است.



بررسی روابط سیاسی چین و روسیه



۷

اوباما در واکنش به کشته شدن الظواهری؛ ریشه‌کن کردن تروریسم بدون جنگ در افغانستان امکان‌پذیر است



مبارزه با تروریسم که توانستند الظواهری را بدون حتی یک تلفات غیرنظامی بیرون بکشند.

اوباما به این باور است که ریشه‌کن کردن تروریسم بدون جنگ در افغانستان هم امکان‌پذیر است.

اوباما روز سه‌شنبه، ۲ اگست، با نشر توییت‌هایی نوشته است که پس از ۲۰ سال، یکی از طراحان حمله ۱۱ سپتامبر و جانشین اسامه بن لادن سرانجام به دست «عدالت» سپرده شد. او افزوده است: «این ادای احترام به رهبری رئیس جمهور بایدن، اعضای جامعه اطلاعاتی است که ده‌ها سال برای این لحظه تلاش کرده‌اند و به متخصصان

باراک اوباما، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا، در واکنش به کشته شدن رهبر شبکه القاعده گفته که ریشه‌کن کردن تروریسم بدون جنگ در افغانستان هم امکان‌پذیر است. اوباما روز سه‌شنبه، ۲ اگست، با نشر توییت‌هایی نوشته است که پس از ۲۰ سال، یکی از طراحان حمله ۱۱ سپتامبر و جانشین اسامه بن لادن سرانجام به دست «عدالت» سپرده شد. او افزوده است: «این ادای احترام به رهبری رئیس جمهور بایدن، اعضای جامعه اطلاعاتی است که ده‌ها سال برای این لحظه تلاش کرده‌اند و به متخصصان

آغاز درگیری‌ها در خنج پنجشیر؛ ۲ طالب کشته شدند

۸ صبح، پنجشیر: منابع محلی در پنجشیر از آغاز درگیری‌ها میان نیروهای جبهه مقاومت ملی و طالبان در این ولایت خبر می‌دهند. این درگیری‌ها از حوالی ساعت ۱۰:۳۰ پیش از چاشت روز سه‌شنبه، ۱۱ اسد، در کوه‌های شایبه ولسوالی خنج آغاز شده و تا کنون ادامه دارد.

پس از تسلط طالبان بر کشور، این پنجمین بار است که کارمندان حکومت پیشین در زابل به‌صورت گروهی برکنار و به جای آنان افراد وابسته به طالبان گماشته می‌شوند.

طالبان در زابل ۲۰۰ مامور حکومتی را برکنار کرده‌اند

۸ صبح، زابل: منابع محلی در ولایت زابل می‌گویند که طالبان در این ولایت ۲۰۰ مامور جوان را که توسط حکومت پیشین استخدام شده بودند، از وظایفشان برکنار کرده‌اند.

منابع محلی در ولایت زابل روز سه‌شنبه، ۱۱ اسد، می‌گویند که طالبان در شهر قلات و برخی از ولسوالی‌های این ولایت، ۲۰۰ کارمند را برکنار کرده و به جای آنان افراد خود را گماشته‌اند.

یک منبع معتبر محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که افراد برکنار شده کارمندان بست‌های ملکی حکومت پیشین بوده‌اند که بر بنیاد دستور بسم‌الله عبدالله، والی طالبان در زابل، برکنار شده و با فرمایش قوماندانان محلی طالبان، به جای آنان افراد مورد نظر این گروه گماشته شده‌اند.

پس از تسلط طالبان بر کشور، این پنجمین بار است که کارمندان حکومت پیشین در زابل به‌صورت گروهی برکنار و به جای آنان افراد وابسته به طالبان گماشته می‌شوند.





شکار ظوهری؛ آیا استراتژی امریکا تغییر کرده است؟

با قتل ظوهری به وسیله هواپیماهای بی‌سرنشین امریکایی، یک بار دیگر بحث‌ها درباره نقش امریکا در افغانستان داغ شده و دو نظریه را مقابل هم قرار داده است: نخست نظریه‌ای خوش‌بینانه که می‌گوید صبر ایالات متحده در برابر طالبان به پایان رسیده و استراتژی این کشور به سوی براندازی این گروه تغییر کرده است، دوم نظریه‌ای که می‌گوید این حمله در هماهنگی با طالبان صورت گرفته و شروع روندی از همکاری میان این گروه با امریکا جهت اعتمادسازی است تا زمینه به رسمیت شناختن حکومت طالبان فراهم شود و افغانستان برای مدت‌های طولانی زیر سیطره یک گروه تروریستی اسیر باشد.

کسانی که به تیوری توطئه گرایش دارند، معتقدند که ایالات متحده با ناامید شدن از حکومت پیشین، تصمیم گرفت طالبان را جای‌گزین آن کند، تا توسط آن ایران، آسیای میانه و چین را زیر فشار قرار دهد. از نظر آنان، کمک طالبان به کشتن ایمن ظوهری در همین راستا صورت گرفته است. از این طریق رد پای امریکا در میدان دادن به گروه‌های تروریستی در این منطقه و همسویی طالبان با امریکا پنهان شده، به کمک این گروه، گودالی بزرگ برای رقبای امریکا در منطقه حفر خواهد شد.

کسانی که با خوش‌بینی به این حمله نگاه کرده، قتل ظوهری را نشانه چرخش اساسی در سیاست‌های امریکا می‌دانند، معتقدند که امریکا به هیچ صورت ۲۰ سال دشمنی با طالبان و پاکستان را فراموش نخواهد کرد و هرچند تداوم جنگ به بالا رفتن هزینه حضور امریکا و سپس خروج نیروهای آن کشور انجامید، اما قضیه انتقام و حتی سقوط طالبان منتفی نشده است. از نظر آنان قتل ظوهری دو پیام به رهبران طالبان دارد: نخست، ما از همه روابط شما با گروه‌های تروریستی آگاهی‌م؛ دوم، همان‌طور که ظوهری را با یک شلیک از میان برداشتیم، شما را هم می‌توانیم به آسانی به دنبال او بفرستیم.

علی‌رغم وجود قرائن عینی برای تأیید هر کدام از این دو دیدگاه، به نظر نمی‌رسد که سیاه و سفید دیدن این ماجرا به فهم کامل آن کمک کند. کشورهای بزرگ دنیا، به‌ویژه ایالات متحده، به متغیرهای گوناگون در عرصه سیاست آگاه‌اند و در اغلب موارد اصل را بر انعطاف‌پذیری گذاشته، با پیش‌بینی چندین سناریو برای هر یک آمادگی می‌گیرند. وجود دولتی دموکراتیک، باثبات و هم‌پیمان با امریکا در افغانستان، بدون شک یکی از بهترین سناریوها است، اما هنگامی که متغیرهای بیرونی چنین چیزی را اجازه ندهد، می‌توان آماده بدترین سناریو شد: هم‌پیمانی با حاکمیت یک گروه تروریستی برای رسیدن به اهداف بلندتر، که هرچند از نظر اخلاقی درست نیست، اما با پرگماتیسیم رایج در سیاست‌های امروز دنیا هم‌خوانی دارد و به‌صرفه است.

اگر تحولات اخیر را از حیث تفکیک تاکتیک و استراتژی در نظر بگیریم، می‌توان قضیه را به این شکل دید: طالبان به امریکا وعده داده بودند که کاملاً با این کشور همکاری می‌شوند، اما به علت بی‌اعتمادی، به فعالیت گروه‌های تروریستی بین‌المللی مجال دادند تا اهرم فشاری بر امریکا و دیگر کشورها باشد. استراتژی امریکا این است که طالبان را به هم‌پیمان متعهد خود تبدیل کند، اما از تداوم دوستی این گروه با چین، روسیه و ایران ناخشنود است. قتل ظوهری می‌تواند آسیب‌پذیر بودن طالبان را به این گروه یادآوری کند و فشاری باشد برای پایان دادن ماه‌عسل‌شان با رقبای امریکا، سناریوی دیگری نیز می‌تواند در میان باشد: اگر طالبان در روابط خود با رقبای امریکا تجدید نظر نکنند، می‌توان گروه‌های مخالف طالبان را به صحنه برگرداند؛ به شرط این‌که بر پراکنده‌گی‌های زبان‌بار خود فایق آیند؛ پراکنده‌گی و تشتی که سبب شکست آنان و پیروزی طالبان بوده است.

انتقاد گروهی از زنان از بی‌تفاوتی جامعه جهانی در برابر «جنایت سیستماتیک طالبان»



۸صبح، کابل: گروهی از زنان افغانستان موسوم به «زنان مکتب انتقادی کابل» با صدور قطع‌نامه‌ای نسبت به سکوت جامعه جهانی در قبال وضعیت بحرانی افغانستان انتقاد کرده‌اند.

به گفته آنان، جامعه جهانی و نماینده‌گی‌های سازمان ملل در برابر «جنایت سیستماتیک طالبان در مقابل زنان افغانستان»، سکوت کرده و نظاره‌گر هستند.

در قطع‌نامه این زنان آمده که جامعه جهانی و به‌ویژه امریکا در برابر «سکوب، هتک حرمت، زندان‌های فراتر از قانونی، قتل‌های صحرایی، تجاوز بر حریم انسان‌ها خصوصاً زنان»، به شعار اکتفا کرده است.

این زنان افزوده‌اند که به مبارزه‌شان برای به دست

آوردن حقوق زنان و «استقلال افغانستان از تجاوز مستقیم پاکستان و گروه نیابتی آن طالبان و شبکه حقانی» ادامه می‌دهند.

این زنان کمک‌های نقدی جامعه جهانی به طالبان را «کمک به ماشین قتل عام انسان‌ها به پنهان نجات مردم از گرسنه‌گی» یاد کرده‌اند.

به گفته آنان، این کمک‌ها با لابی‌گری پاکستان به افغانستان می‌رسد و پیامد آن «تقویه بنیادهای تروریسم در جهان است».

پیش از این نیز برخی از گروه‌های زنان با گردهمایی‌های اعتراضی در مکان‌های بسته از وضعیت موجود و بی‌تفاوتی جامعه جهانی در این مورد انتقاد کرده بودند.

طالبان در بدل ۱۰۰ هزار افغانی یا یک میل سلاح، اسیران جنگی در بغلان را آزاد می‌کنند

۸صبح، بغلان: منابع محلی در بغلان می‌گویند که طالبان در بدل ۱۰۰ هزار افغانی پول نقد یا یک میل سلاح، اسیران جنگی را در ولسوالی خوست این ولایت آزاد می‌کنند.

منابع محلی در ولایت بغلان روز سه‌شنبه، ۱۱ اسد، می‌گویند که طالبان نزدیک به ۴۰ اسیر را که همه افراد ملکی بودند با گرفتن

۱۰۰ هزار افغانی و یا یک میل سلاح رها کرده‌اند. به گفته منابع، هم‌اکنون نزدیک به ۶۰ اسیر خوستی دیگر در زندان‌های طالبان زندانی‌اند. این اسیران که همه ملکی هستند، در جریان درگیری‌ها در ولسوالی خوست از سوی طالبان بازداشت شده‌اند.

نبیل: احتمالاً حقانی‌ها اطلاعات مربوط به رهبر القاعده را به امریکایی‌ها داده‌اند



۸صبح، کابل: رحمت‌الله نبیل، رییس پیشین امنیت ملی افغانستان پس از کشته‌شدن رهبر شبکه القاعده در حمله هواپیمای بی‌سرنشین امریکایی در کابل، سه سناریوی احتمالی را در پیوند به این رویداد مطرح کرده است.

رحمت‌الله نبیل در رشته توییت‌هایی روز سه‌شنبه، ۱۰ اسد، گفته است که رهبر شبکه القاعده در خانه مربوط به سراج‌الدین حقانی هدف حمله قرار گرفته و مهمان‌خانه او نیز در نزدیکی محل زنده‌گی رهبر

القاعده است.

آقای نبیل گفته است، این احتمال وجود دارد که حقانی‌ها به کمک جنرال قمر جاوید باجو و آی‌اس‌آی، برای بیرون شدن از لیست سیاه و بهبود روابط با امریکا، اطلاعات در مورد محل بودوباش ایمن‌الظواهری را در اختیار امریکا قرار داده‌اند.

رییس پیشین امنیت ملی در گمانه‌زنی دیگر می‌گوید، شاخه ملابرادر و ملایعقوب که از شورای کویته پیروی می‌کند، ممکن است برای جلوگیری از بلندپروازی‌های شبکه حقانی اطلاعات مربوط به محل بودوباش رهبر القاعده را به امریکایی‌ها داده باشد.

رحمت‌الله نبیل در سومین گمانه‌زنی گفته است که ممکن ارتش پاکستان محل اختفای ایمن‌الظواهری را به امریکایی‌ها فاش کرده باشد. نبیل این گمانه‌زنی را ضعیف خوانده است.

رحمت‌الله نبیل نخستین کسی بود که روز گذشته از حمله هواپیمای بدون سرنشین امریکایی بر منطقه شیرپور کابل خبر داد.

طالبان بیش از ۲۰ مامور پولیس حکومت پیشین را در تخار برکنار کردند



۸صبح، تخار: منابع محلی در تخار می‌گویند که طالبان ده‌ها مامور پولیس حکومت پیشین را از وظایف‌شان برکنار کرده و به‌جای آنان افراد خودشان را گماشته‌اند.

منابع محلی در ولایت تخار روز سه‌شنبه، ۱۱ اسد، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که شمار این ماموران پولیس به ۲۱ تن می‌رسد و بیشترشان از حوزه‌های شش‌گانه قوماندانی امنیه تخار برکنار شده‌اند.

به گفته منابع، افرادی که از سوی طالبان به‌جای ماموران پولیس گماشته شده‌اند، از کمترین سواد نیز بهره‌مند نیستند.

طالبان در دیگر ولایت‌های افغانستان نیز مأموران ملکی و نظامی حکومت پیشین را برکنار کرده‌اند.

بلینکن

طالبان با پناه‌دادن به رهبر القاعده توافق‌نامه دوحه را نقض کرده‌اند



۸صبح، کابل: آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا گفته است که طالبان با پناه‌دادن به ایمن‌الظواهری، رهبر شبکه القاعده، توافق‌نامه دوحه را به‌شدت نقض کرده‌اند.

بلینکن در بیانیه‌ای روز سه‌شنبه، ۱۰ اسد، گفته است: «طالبان به مردم افغانستان و تمایل‌شان برای عادی‌سازی روابط با جامعه بین‌المللی خیانت کرده‌اند».

وزیر خارجه امریکا همچنان تأکید کرده است که جهان بدون ایمن‌الظواهری امن‌تر خواهد بود و امریکا به اقدامات خود در برابر کسانی که امنیت این کشور و متحدانش را تهدید کنند، ادامه خواهد داد.

ایمن‌الظواهری، رهبر شبکه القاعده روز گذشته در حمله هواپیمای بدون سرنشین امریکایی در کابل کشته شد.

طالبان پس از گروگان گرفتن یک کودک ده‌ساله، پدر او را بازداشت کردند

از وضعیت آنان جو‌بای احوال شود. گفتنی است که گروه طالبان هفته گذشته پسر ده‌ساله این عضو پیشین پولیس را بازداشت کرده و خواستار اسلحه شده بودند.

منابع به نقل از کسانی که برای دیدار این کودک رفته بودند، می‌گویند که طالبان دست‌وپای این کودک خردسال را با زنجیر بسته بودند.

از این رو، محمد زابلی تصمیم می‌گیرد که به افغانستان برگشته و خودش را به طالبان تسلیم کند.

بود. براساس اطلاعات منابع، پیش از آن‌که زابلی برای نجات جان فرزندش به بازداشت‌گاه طالبان در ولسوالی ناوهمیش مراجعه کند، توسط افراد طالبان خانه‌اش محاصره و برای چندین ساعت بین دو طرف درگیری شده است.

به گفته منابع، طالبان سرانجام با وساطت بزرگان محل محمد زابلی را بازداشت می‌کنند و تعهد می‌سپارند که فرزندش را رها کنند.

با این حال طالبان خلاف تعهدشان اینک پدر و پسر را زندانی کرده‌اند و به کسی هم اجازه نمی‌دهند که

۸صبح، دایکندی: منابع از ولسوالی ناوهمیش ولایت دایکندی به روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان یک عضو پیشین نیروهای امنیتی در این ولسوالی را پس از چندین ساعت محاصره خانه‌اش، بازداشت کرده‌اند.

براساس معلومات منابع، محمد زابلی، عضو پیشین نیروهای امنیتی، پس از آن‌که گروه طالبان پسر ده‌ساله‌اش را به گروگان گرفتند و شکنجه کردند، روز یک‌شنبه، ۹ اسد، خود را از ایران به زادگاهش رساند. او پس از آمدن طالبان، به ایران فرار کرده

آیا افغانستان به پایگاه فعالیت تروریستان مبدل شده است؟



امین کاوه

دوباره در حال تبدیل شدن به مرکز فعالیت‌های تروریستی است.

این دو رهبر حزب جمهوری‌خواه آمریکا در حالی از تبدیل شدن افغانستان به مرکز تروریسم بین‌المللی ابراز نگرانی کرده‌اند که پیش از این سازمان ملل متحد در گزارشی گفته بود که ایمن الظواهری، رهبر القاعده، بیعت خود را با هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، تجدید کرده است. این سازمان در سیزدهمین گزارش تحلیلی هیأت نظارت بر تحریم‌های سازمان ملل که براساس گزارش‌های اعضای شورای امنیت گردآوری شده است، گفته بود که گروه طالبان همچنان به روش‌های گذشته خود عمل می‌کنند و پناهگاه‌های امن را برای گروه‌های تروریستی، مانند القاعده فراهم کرده‌اند.

با این حال، شماری از شهروندان کشور با نگرانی از وضعیت موجود در کشور می‌گویند که گروه طالبان هیچ‌گاه به تعهدات‌شان در قبال مردم و جهان صادق نبوده‌اند. به گفته آنان، طالبان پیش از کشته شدن رهبر القاعده، همواره ارتباط با این گروه را رد می‌کردند. شمس‌الدین عمری که از هراس طالبان نام مستعار برگزیده است، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که کابل «ترسناک» شده و فکر نمی‌کرد که رهبر یک گروه «تروریستی جهانی» در این شهر زنده‌گی کند. میرویس، شهروند دیگری است که فعالیت‌های طالبان در یک سال گذشته را پیوسته دنبال کرده است. او می‌گوید: «از وقتی

نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا براساس توافقنامه دوحه افغانستان را ترک کردند؛ توافقنامه‌ای که حدود دونیم سال پیش میان زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی گروه طالبان در قطر امضا شد. بر مبنای مفاد این توافقنامه، طالبان تعهد کرده‌اند که رابطه‌شان را با القاعده قطع می‌کنند و به گروه‌های تروریستی که تهدیدی برای منافع آمریکا به شمار می‌روند، اجازه حضور و فعالیت در افغانستان نمی‌دهند.

اکنون اما با کشته شدن ایمن الظواهری، رهبر القاعده، در قلب کابل دیوار پنهان‌کاری طالبان فروریخته و روشن شده است که طالبان هیچ اعتنایی به این توافقنامه ندارند. وزارت خارجه آمریکا طالبان را به «خیانت به جامعه بین‌المللی و نقض شدید توافقنامه دوحه» متهم کرده است. هم‌چنان دو رهبر جمهوری‌خواه ایالات متحده با استقبال از کشته شدن الظواهری گفته‌اند که افغانستان دوباره در حال تبدیل شدن به مرکز فعالیت‌های تروریستی است.

میچ مک‌کانل و کوین مک‌کارتی، رهبران جمهوری‌خواه در دو مجلس آمریکا هستند که در واکنش به حمله هوایی نیروهای آمریکایی در کابل که منجر به کشته شدن رهبر شبکه القاعده شد، بار دیگر از خروج بی‌برنامه نیروهای آمریکایی از افغانستان انتقاد کرده و گفته‌اند که افغانستان

طالبان تاکنون به کشته شدن رهبر شبکه القاعده در افغانستان واکنش واضحی نشان نداده‌اند.
ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، پیش از اعلام خبر کشته شدن ظواهری از سوی کاخ سفید، با نشر خبرنامه‌ای گفته بود که حمله هوایی در منطقه شیرپور کابل یک خانه رهپاشی را هدف قرار داده است. در این خبرنامه آمده که این حادثه در ابتدا روشن نبوده، اما سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی آنان پس از تحقیقات ابتدایی دریافته‌اند که حمله توسط هوپیمای‌های بی‌سرنشین نیروهای آمریکایی انجام شده است.
مجاهد در این بیانیه گفته است که این حمله «به هر دلیلی که انجام شده باشد» محکوم است و این گروه آن را «نقض آشکار اصول بین‌المللی و موافقت‌نامه دوحه» می‌داند. او در رشته توییتی نگاشته است: «این اقدامات تکرار تجارب ناکام ۲۰ سال گذشته و برخلاف منافع ایالات متحده آمریکا، افغانستان و منطقه است. تکرار چنین اقداماتی به فرصت‌های موجود لطمه خواهد زد.»
این در حالی است که جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود نیز پیش از این هشدار داده بود که آمدن طالبان زمینه آمدن تروریستان بسیار افراطی را به افغانستان فراهم کرده است. او در مصاحبه‌ای با «بی‌بی‌سی فارسی» گفته است: «امروز تمام ولایات افغانستان پر است از گروه‌های تروریستی و متأسفانه تصویر آینده افغانستان زیر سلطه طالبان، تصویر بسیار وحشتناک و تاریک است.» همین‌گونه صبغت‌الله احمدی، سخنگوی این جبهه در گفت‌وگوی ویژه با روزنامه ۸صبح گفته است که افغانستان به پناهگاه امن برای تروریستان بدل شده و پیش از آن‌که حادثه‌ای مشابه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اتفاق بیفتد، جهان باید فشارهای حداکثری را بر این گروه وارد کند.
این همه در حالی است که ایمن الظواهری پس از کشته شدن اسامه بن لادن، بنیان‌گذار گروه القاعده در سال ۱۳۹۰ خورشیدی در پاکستان، رهبری القاعده را بر عهده گرفت. او سال‌ها در خفا زنده‌گی می‌کرد و معلومات مشخصی از او در دسترس نبود. تا پیش از اعلام کشته شدن ظواهری، شایعاتی درباره حضور او در مناطق قبیله‌ای پاکستان و افغانستان وجود داشت؛ اما رویترز به‌تازگی به نقل از یک منبع ناشناس گزارش داده که ایمن الظواهری چندین ماه پس از سلطه طالبان بر افغانستان، به کابل نقل مکان کرده بود. رویترز به نقل از یک مقام ناشناس طالبان گفته است که ظواهری پیش از نقل مکان به کابل، در کوه‌های موسی قلعه در ولایت هلمند اقامت داشته است.

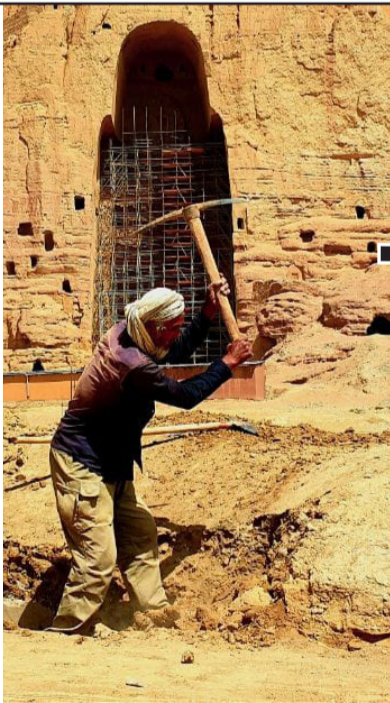
که طالبان آمده‌اند، هیچ حرکت‌شان از رفتار سابق‌شان تغییر نکرده و نگاه‌های‌شان به مردم، نگاه انسانی نیست و هرکس را که هم‌رنگ خودشان نباشد، بد می‌بینند.» او تأکید می‌کند که شماری از مناطق کابل که تحت تدابیر شدید امنیتی طالبان قرار دارد، نیز احتمال می‌رود پناهگاه امن برای رهبران و سردسته‌های گروه‌های تروریستی دیگر باشد.

این در حالی است که پس از آن‌که جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، اعلام کرد که ایمن الظواهری، رهبر القاعده، به دستور او در کابل کشته شده است، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا طالبان را به «خیانت» به موافقت‌نامه دوحه متهم کرد و گفت که طالبان این توافق‌نامه را نقض کرده‌اند. او در بیانیه‌ای که از سوی وزارت خارجه آمریکا انتشار یافت، گفته است که طالبان با میزبانی و پناه دادن به رهبر القاعده در کابل، موافقت‌نامه دوحه را به شدت نقض کرده‌اند. در حالی که به گفته او، این گروه در موافقت‌نامه دوحه به جهان اطمینان داده بودند که اجازه نمی‌دهند، خاک افغانستان توسط تروریست‌ها برای تهدیدات امنیتی کشورهای جهان استفاده شود. او تأکید کرده است که طالبان «به مردم افغانستان و تمایل خود برای به رسمیت شناخته شدن و عادی‌سازی روابط با جامعه بین‌المللی خیانت کرده‌اند.»

ساخت‌وساز در اطراف پیکره بودا متوقف شد؛

اما نگرانی‌ها هم‌چنان باقی است.

۸صبح، بامیان



کار ساخت‌وساز در بازار کهنه بامیان به دلیل مخالفت صریح سازمان یونسکو متوقف شده است. باشنده‌گان ولایت بامیان از مخالفت سازمان یونسکو در برابر ساخت‌وسازهای خودسر در اطراف پیکره بودا استقبال می‌کنند، اما می‌گویند که نگرانی آنان هم‌چنان پابرجا است. علی فولادوند، از فرهنگیان بامیان، در توییتی نوشته است: «طالبان این بار خیلی هوش‌مندانه برخورد می‌کنند. این گروه مثل ۲۰۰۱ انفجار نمی‌دهد تا جهان از طریق الجزیره تماشا کند. طالبان از زمان اشغال قدرت، هسته و قدم‌به‌قدم آثار باستانی و ساحات تاریخی بامیان را نابود کرده و می‌کنند.»

این نخستین باری نیست که طالبان با اقدام‌های خودسرانه قصد تخریب ساحات باستانی بامیان را دارند. مسوولان محلی طالبان در بامیان پیش از این در ماه دلو سال گذشته خورشیدی در ساحه پشت بودای صلصال به‌گونه غیرقانونی کندن‌کاری را آغاز کردند. نیروهای طالبان برای سه ماه از رفت‌وآمد گردشگران و دیگر افراد در این ساحه ممنوعت می‌کردند. هم‌چنان براساس گزارش‌ها، با روی کار آمدن طالبان در کشور، به‌ویژه در بامیان، ده‌ها قلم آثار تاریخی این ولایت به شمول یک سر بودا از ذخیره‌گاه این آثار از پیش پای پیکره صلصال تاراج شده است.

طالبان در دور پیشین حکومت‌شان نیز در ۱۱مارچ ۲۰۰۱ در یک اقدام غافل‌گیرانه، دو تندیس غول‌پیکر بوداهای صلصال ۵۳ متره و شهنامه ۳۵متره را در بامیان منفجر کردند. اقدامی که با واکنش‌های تند شهروندان و نهادهای بین‌المللی روبه‌رو شد.

مناطق بودای صلصال، شهنامه، دره ککرک، شهرهای تاریخی غلغله و ضحاک، قلعه کافری، دره غمی و قل‌اکرم جزو هشت ساحه باستانی است که در سال ۱۳۸۲ خورشیدی از سوی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) به‌عنوان ساحات معروض به خطر ثبت شد.

۲۲ ماده‌ای وزارت اطلاعات و فرهنگ و در هماهنگی با وزارت‌های ذیربط و سازمان یونسکو بازسازی خواهد شد و تمام مالکان و کسبه‌کاران مکلف‌اند از قوانین نافذه و طرز‌العمل رایج شده در ساخت مغازه‌ها و املاک‌شان پیروی کنند.»
 این اقدام طالبان اما با مخالفت مسوولان یونسکو روبه‌رو شده است. روزنامه بریتانیایی گاردین، به نقل از مسوولان یونسکو گزارش داده که طالبان هیچ‌گونه مشوره‌ای با این سازمان، در زمینه بازسازی بازار کهنه بامیان نکرده‌اند. مسوولان سازمان یونسکو به این روزنامه بریتانیایی گفته‌اند که آنان مخالف هرگونه ساخت‌وساز در ساحات تاریخی بامیان، به‌ویژه در ساحه بازار کهنه این ولایت و اطراف پیکره‌های بودا هستند.
 با این حال، منابع محلی در بامیان تأیید می‌کنند که

مغاره‌ها، معابد و استوپه‌های دوره بودایی را در خود جا داده و در ساحه پارک باستانی این ولایت واقع شده است. او می‌افزاید که براساس تعهد افغانستان به یونسکو، هر نوع ساخت‌وساز در این ساحه ممنوع است.

این در حالی است که باستان‌شناسان می‌گویند که ساخت‌وسازهای خودسر در اماکن تاریخی بامیان روی چشم‌انداز تاریخی-فرهنگی این ولایت تأثیر منفی می‌گذارد. یک باستان‌شناس که نخواست نامش در این گزارش درج شود، می‌گوید که طالبان با بازسازی بازار کهنه بامیان زمینه ساخت‌وسازهای خودسر و غیرقانونی را در دیگر ساحات تاریخی این ولایت فراهم می‌کند. به گفته او، این ساخت‌وسازها در آینده نزدیک چشم‌انداز تاریخی‌فرهنگی بامیان را از بین می‌برد.

داکتر لایق احمدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه باستان‌شناسی، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که طالبان با بازسازی بازار کهنه شهر بامیان، می‌خواهند پیشینه تاریخی این ولایت و هزاران مغاره به‌جا مانده از دوره بودایی‌ها را نابود کنند. مغاره‌هایی که روزگاری محل ریاضت و نیایش راهبان بودایی بوده‌اند.

پیش از این، مقام‌های محلی طالبان روز دوشنبه، ۱۰ اسد، در مراسمی با حضور شماری از هواداران‌شان دستور آغاز کار بازسازی بازار کهنه در شهر بامیان را صادر کردند. بازار کهنه در برابر حفره بودای صلصال و در ساحه سرخ ماستر پلان فرهنگی این شهر موقعیت دارد. ملا عبدالله سرحدی، والی طالبان در بامیان، با صدور این دستور گفت: «این بازار مطابق با معیارها و طرز‌العمل

آسو

آینده القاعده؛ آیا جهان امن تر می شود؟



دو دهه پس از جنگ‌های بسیار زمان‌بر و پرهزینه جهان علیه تروریسم که محراق آن بر سر چاه‌های نفت خاورمیانه قرار دارد، پدیده تروریسم به شکل بی‌سابقه رشد کرده و تشکیلات نظامی آن با جنگ‌افزارهای پیشرفته مجهز شده، تفکرشان خشونت‌بارتر شده و میدان‌ها و فرصت‌های جدیدی یافته‌اند که زیست انسانی را به تهدید جدی‌تر مواجه و گراف خطرات بالقوه و بالفعل را بالا برده است. به نظر می‌رسد که مبارزه جهان به رهبری آمریکا، که خود را تنها هژمونی سیاسی-نظامی جهان تلقی می‌کند، مایه رشد تروریسم شده تا قلع و قمع آن. پرسش اساسی اما این است که چرا مبارزه جهان علیه تروریسم نتیجه برعکس داده است؟

آمریکایی‌ها در ۳۰ جولای ۲۰۲۲ ایمن الظواهری، استراتژیست عملیاتی و رهبر القاعده را در قلب کابل کشتند؛ عملیات سری، برنامه‌ریزی شده و منظم برای هدف‌گیری رهبر یکی از مخوف‌ترین گروه‌های تروریستی جهان که عنوان مادر تروریسم جهانی را با خود حمل می‌کند، انجام شد. بعد از سال ۲۰۰۱ آمریکا رهبران القاعده را به‌گونه مداوم تعقیب کرده و هدف قرار داده است. اکثر این عملیات‌ها، هوایی، بسیار دقیق و موفقانه بوده، اما نه‌تنها تأثیرات مثمر بر روی امنیت جهان نداشته، بلکه تولد گروه‌های چون داعش و روی کار آمدن دوباره طالبان را به همراه داشته است و به تروریسم انگیزه بیشتر جولان‌گری و خون‌آشامی داده است تا پدیده‌های مدرن را نیز در خدمت اهداف اهریمنی خود بگیرد.

هرچند رهبران جهان خوش‌بین هستند که کشته شدن ایمن الظواهری دنیا را به «عدالت» نزدیک‌تر و زمینه‌های یک «امنیت جهانی» را مساعد می‌کند، اما شواهد موجود و تحلیل داده‌های پیشین نشان می‌دهد که مبارزه با تروریسم و هدف گرفتن رهبران این گروه سبب رشد افراطیت و تروریسم، افزایش ناامنی و ظهور هزاران ایمن الظواهری و بن لادن و جانی و قاتل دیگر خواهد شد که نه‌تنها سرزمین‌های درهم‌شکسته خاور میانه، بلکه کل دنیا را به آتش کشیده و سرخورده‌گی مفرط و شمشیر بران آن‌ها به کشتن و انتحار، سیل خون بر پا خواهد کرد. از این‌رو، کشتن رهبران تروریست‌های جهان در نفس خود خوب است، اما جهان را به امنیت و عدالت نزدیک نمی‌کند.

گروه‌های تروریستی هم‌چون القاعده که در تمام جهان پراکنده‌اند و نفوذ گسترده در خاورمیانه دارند، اتکای مطلق به فرد، به‌عنوان رهبر ندارند، بلکه

یک هسته گروهی با محوریت ساختار شبکه‌ای از رهبران سیاسی-نظامی، فرماندهان عملیاتی-جنگی و افراد ارتباطی-جاسوسی صورت‌بندی شده است که در کشورها و سرزمین‌های متفاوت، استقلال در عملکردشان دارند. در میان گروه‌های تروریستی هرچند معمولاً یکی در جایگاه رهبر قرار می‌گیرد و بر تمام بخش‌های سازمان تأثیر می‌گذارد، اما مولفه‌های سلسله‌مراتبی در آن کم‌تر لحاظ می‌شود و آینده و ادامه تشکیلات آن با حذف رهبر ضربه سهم‌گین نمی‌بیند. هرچند رهبر کاربرد می‌تواند مفید باشد.

به نظر می‌رسد که کشته شدن ایمن الظواهری وضعیت در منطقه را دگرگون کرده و سبب تغییرات در روابط گروه‌های تروریستی و هماهنگی بیشتر آن‌ها شود. جنگجویان القاعده در منطقه و کشورهای پیرامون، فعالیت بیشتر کرده و با گروه دولت اسلامی نیز هماهنگی بیشتر برای انجام عملیات‌های نظامی را روی دست خواهد گرفت. هرچند هدف‌گیری ظواهری در کوتاه‌مدت می‌تواند القاعده را سرخورده و تضعیف کند، اما در درازمدت تأثیرات چندانی بر عملکرد سازمانی القاعده نخواهد داشت و مزید بر این، کارایی و حس

انتقام‌جویی جنگجویان این گروه در سراسر جهان را بر می‌انگیزاند. طالبان همواره میزبان‌های قابل اعتماد برای القاعده بوده‌اند، اما این مهم می‌تواند پالیسی القاعده در برابر طالبان را نیز دچار چرخش و دگرپرسی کند.

انجام چنین عملیاتی در یکی از مهم‌ترین نطقه‌های کابل زیر سیطره طالبان، بدون هماهنگی و اشتراک اطلاعاتی جناح‌هایی از طالبان بعید به نظر می‌رسد. جنگجویان القاعده و فرماندهان این گروه بعد از این اعتماد قبلی را به طالبان از دست داده و مسیر تازه‌ای را با هم‌آغوشی و هماهنگی با داعش یا گروه دولت اسلامی روی دست خواهند گرفت. بنابراین، القاعده پابرجا و با اهداف جدید و برنامه‌های خشونت‌بارتر می‌ماند و امنیت جهان رو به بهبود نخواهد رفت. علاوه بر این، کشته شدن رهبر القاعده اختلافات در میان طالبان را نیز افزایش خواهد داد و طلسم یک‌پارچه‌گی ظاهری این گروه را می‌شکند. از این رو در بعد منطقه‌ای هدف‌گیری ظواهری مستند تغییرات در ساختارها، هماهنگی‌ها و هم‌آغوشی‌ها می‌شود، اما در سطح کلی تغییرات چندانی بر آینده القاعده ندارد.

یورگن تودنهورف، خبرنگار و مستندساز آلمانی که در

سال ۲۰۱۴ به دعوت داعش از سرزمین‌های سوخته در حاکمیت دولت اسلامی دیدار کرده بود، این پرسش را برجسته می‌کند که چرا وقتی آمریکا مبارزه علیه تروریسم را شروع کرد، جهان با ۱۰۰ تروریست خطرناک و مخوف روبه‌رو بود، اما بعد از سال‌ها مبارزه و صرف هزینه‌های انسانی، اقتصادی و نظامی، جهان با ده‌ها تشکیلات تروریستی و هزاران دهشت‌افکن خشونت‌پیشه مواجه است؟ تروریستی‌هایی که در جهان امنیتی شده و به شدت ناامن، توان بالایی در به وجود آوردن ناامنی و خلق فاجعه دارند. به باور تودنهورف که کل عمرش را در خاورمیانه و کشورهای مستعد زایش خشونت صرف کرده، کارشیوه مبارزه جهان با تروریسم جهت‌دار، فاقد کارایی و بیشتر جنبه منفعت‌جویانه برای غرب دارد.

با کشته شدن ایمن الظواهری، ده‌ها ایمن‌الظواهری دیگر بازتولید و با اندیشه‌های خشن‌تر پرورش می‌یابند. همان‌طور که با کشته شدن ابوبکر بغدادی و اسامه بن لادن تشکیلات سازمانی گروه‌های‌شان فلج نشد و جهان به امنیت نزدیک نشد، با هدف‌گیری الظواهری نیز نمی‌تواند جهان به عدالت و امنیت نزدیک شود. نه‌تنها در ۲۰ سال گذشته، بلکه اکنون نیز کارشیوه مبارزه جهان علیه تروریسم مفید و موثر نیست و سبب رشد بی‌پیشنه پدیده تروریسم شده است. به‌گونه‌ای که گروه‌های تروریستی امروزه با ابزارهای جدید، میدان‌های وسیع و اهداف خشن‌تر مجهز هستند و جهان هر روز به سوی ناامنی و ترور و افراط‌گرایی در حرکت است.

ظواهری اما یک مزیت بسیار عمده داشت که او را قطعاً در میان رهبران القاعده در جایگاه بلندتری قرار می‌دهد. نخست که شناخت بسیار دقیق از منطقه داشت و روابط بسیار گسترده با افراد حقیقی و حقوقی داشت. شناخت او از منطقه، از حضور او در نخست به‌عنوان مشاور بن‌لادن و دوم در قامت رهبر القاعده به دست آمده بود و این برای تمام گروه‌های تروریستی در منطقه و جهان اهمیت دارد که رهبر آن‌ها دارای روابط گسترده باشد و از سوی دیگر، به شناخت کافی از منطقه رسیده باشد. این دو مزیت ظواهری را در میان تمان رهبران آینده و گذشته القاعده برتری می‌دهد و این سازمان مخوف و تروریستی همیشه فقدان چنین رهبری را احساس خواهند کرد. گفتنی است که بعد از سال ۲۰۱۱ ظواهری برای انسجام القاعده تلاش‌های پیگیر کرد و این سازمان را از فروپاشی کامل نجات داد.

معمای کشته شدن الظواهری



عبدالناسر نورزاد

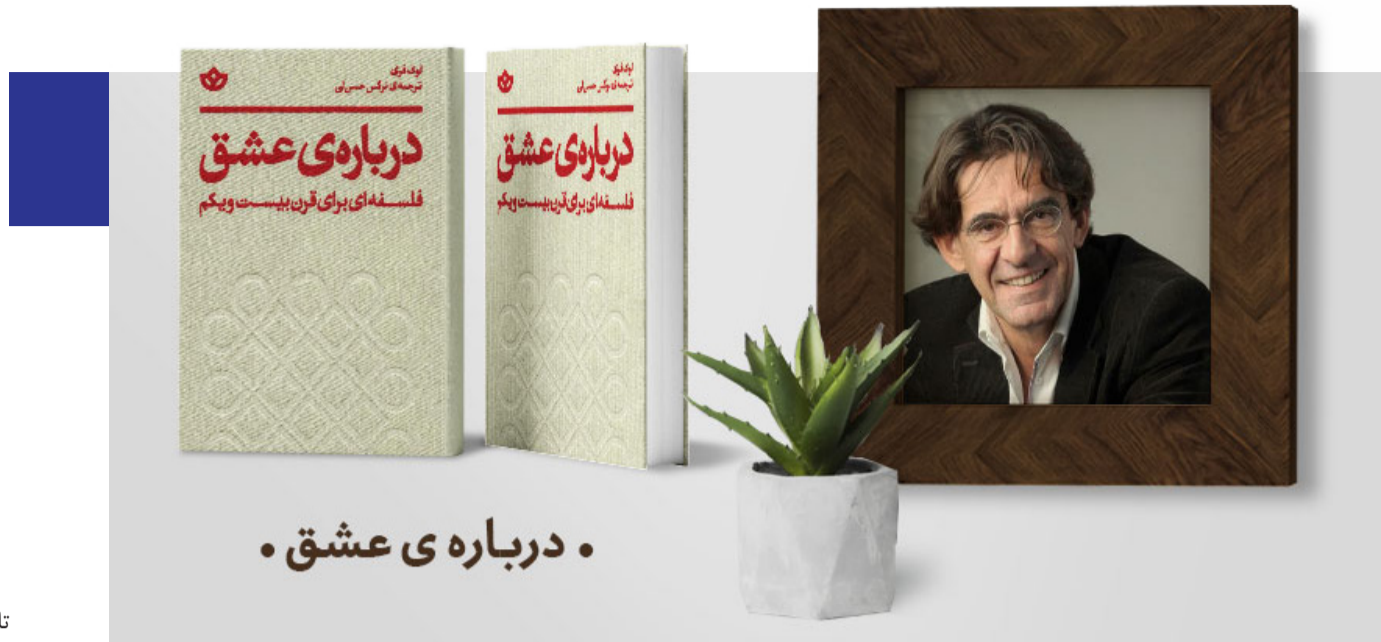
یک فصل جدید از بازی‌ها و سناریوها در افغانستان و حتا مناطق پیرامونی باشد؛ زیرا به گفته مقام‌های امریکایی، الظواهری از ابتدای سال جاری میلادی در کابل سکونت داشته و در این مدت همواره تحت نظر سازمان سی‌ای‌ای بوده است. در توافق‌نامه دوحه تکر یافته است که طالبان روابط خود با تمامی گروه‌های تروریستی و دهشت‌افکن را قطع کرده و اجازه ندهند تا از خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر استفاده شود. این توافق‌نامه که براساس آن طالبان صاحب قدرت شدند و امریکا تصمیم گرفت از افغانستان خارج شده و حکومت تحت حمایت خود را بدون پشتی‌بانی رها کند، عملاً نقض شده و راهی برای تداوم آن، دیگر وجود ندارد. ممکن بدیلی برای سناریوهای آینده در

نظر باشد و حتا طالبان را یک پروژه مختمومه بسازد. براساس اطلاعات موجود سراج‌الدین حقانی روز شنبه، هنگام حمله هواپیمای بدون سرنشین در منطقه وزیراکبرخان کابل میزبان مذاکرات صلح بین هیاتی ۱۲ نفری از حکومت پاکستان و سران تی‌تی‌پی بوده که در نزدیکی آن، رهبر شبکه القاعده مورد هدف قرار می‌گیرد و کشته می‌شود. این رویداد یک بار دیگر حدس و گمان‌هایی را در خصوص روابط مستحکم و غیرقابل گسست طالبان با تروریستان خارجی، به‌خصوص شبکه القاعده، نشان می‌دهد. علاوه بر آن، می‌توان این حادثه را سرآغاز یک فصل خونین مبارزه با تروریسم جهانی دانست؛ زیرا هم طالبان و هم شبکه القاعده و سایر سازمان‌های تروریستی فراملیتی، تلاش خواهند کرد تا انتقام خون وی را از ایالات متحده گرفته و جواب بالمثل بدهند.

از سوی دیگر و براساس اطلاعات موجود، سراج‌الدین حقانی در زمان وقوع حمله در نزدیکی محل قرار داشته است؛ زیرا مهمان‌خانه شخصی او در نزدیکی محل حمله قرار دارد و براساس اخبار منتشر شده در برخی از مطبوعات خارجی، خانه‌ای که «ایمن الظواهری» در آن هدف قرار گرفته، نیز مربوط او بوده است. در حالی که سراج‌الدین حقانی، رهبر شبکه حقانی، نیز از جمله افراد تحت تعقیب سازمان‌های ضد تروریستی جهانی است و متهم به انجام ده‌ها حمله تروریستی و دهشت‌افگانه در بیست سال گذشته علیه منافع امریکا و متحدانش در افغانستان بوده است، اما اکنون تلاش می‌کند این ذهنیت را القا کند که طالبان با ارایه نسخه جدید خویش می‌خواهند با تروریسم بین‌المللی قطع رابطه کرده و برای جامعه جهانی از درک عدم استفاده خاک افغانستان علیه سایر کشورها تضمین

بدهند و با این کار راهی برای شناسایی رژیم‌شان را مساعد سازند. گفته می‌شود که بعد از وقوع حمله، سراج حقانی با کاروان بزرگی به شمول غیرنظامیان برای مصون ماندن از حملات مشابه از طریق زمین به ولسوالی چرخ لوگر و از آن‌جا به ولایت پکتیا رفته است. پس با این وضعیت، می‌توان حدس و گمان‌هایی را در خصوص پیچیده‌گی اوضاع و تغییر مسیر بازی در نظر داشت و در اراده طالبان برای قطع رابطه با تروریسم جهانی به‌خصوص شبکه القاعده که خطر جدی برای امنیت جهانی محسوب می‌شود، شک کرد. سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر سراج‌الدین حقانی در پناه دادن به ایمن الظواهری سهم داشته، آیا وی دوباره به کابل باز خواهد گشت و وزیر خواهد ماند؟ آیا او می‌تواند آزادانه گشت‌وگذار کند و خود را فاتح بلانماز کابل بخواند؟ جواب برای این سوال خیلی دشوار است و ممکن مجبور شد مدتی انتظار کشید تا اصل قضیه روشن شود. باید روشن شود که چرا طالبان حاضر نیستند در ازای به رسمیت شناخته شدن و جلب کمک‌های بین‌المللی، اشخاصی همچو الظواهری را تحویل ندهند، بلکه او را در قلب کابل و در نزدیکی خود جای دهند و بعداً با افشای محل اقامتش، زمینه کشته شدنش را فراهم سازند؟ یکی از دلایل این است که سراج‌الدین حقانی و شبکه تحت رهبری او، پیوند ایدیولوژیک، نظامی، اطلاعاتی و مالی با شبکه القاعده دارد و هر دو گروه با وجود سال‌ها پیوسته‌گی و همسویی در جنگ با امریکا و متحدانش، کماکان به روابط خویش ادامه داده و بعد از تصرف کابل در ماه اگست سال پار، حقانی به میزبانی از رهبران القاعده می‌پردازد.

ادامه در صفحه ۵



• درباره‌ی عشق •

لوک فری معتقد است که اصل پنجم معنا با رویدادی در حوزه خصوصی زنده‌گی انسان‌ها پدیدار گشت و آن گذار از خانواده سنتی مبتنی بر ازدواج مصلحتی به خانواده مدرن مبتنی بر ازدواج عاشقانه بود که از عصر صنعتی شدن آغاز شد و تا پایان جنگ جهانی دوم به الگوی غالب ازدواج و تشکیل خانواده در اروپا و سراسر جهان مبدل شد.

انقلاب عشق؛

تأثیر ازدواج‌هاک عاشقانه بر پسر سیاست و اجتماع

عبدالشهید نایب

شدن مذهب بر اندیشه غرب در سده‌های میان پایان قرن چهارم و هفدهم می‌داند.

۳) اصل اومانستی: این آموزه رستگاری در عصر رنسانس پدیدار شد و عبارت بود از انقلاب سوژه‌گی که فلسفه دکارت نماد آن به شمار می‌رفت. در این عصر اعتقاد بر این بود که آموزه رستگاری را باید بر انسان و نه بر کیهان و خدا بنا کرد. آن‌ها معتقد بودند که آن‌چه به زنده‌گی انسان معنا می‌بخشد، پیشرفت است. رستگاری، یعنی مشارکت در تاریخ بشری. «وقتی انسان خشت خود را در عمارت پیشرفت بشری بگذارد، به‌نحوی نجات یافته» و نام خود را برای ابد ثبت تاریخ کرده است.

۴) اصل واسازی: دوره چهارم اما با شوپنهاور آغاز و با نیچه و هایدگر شکوفا می‌شود. این دوره، دوره واسازی و شک مفرط به توهمات متافزیکتی یا مذهبی است که در عقب تمام اصول دیگر معنای زنده‌گی قرار دارد. واسازی‌کننده‌گان مرگ خدا و مرگ انسان را اعلام می‌کنند و تمام آرمان‌های اومانستی، مذهبی و انقلابی را که برای خود جایگاه بالاتری از زنده‌گی قایل‌اند، مردود می‌خوانند.

نیچه زنده‌گی خوب را زنده‌گی‌ای می‌داند که پرشور و آزادانه باشد.

فری معتقد است که اکنون عصر این چهار معنای زنده‌گی به پایان رسیده و اصل پنجم معنای زنده‌گی پدیدار شده که عبارت از عشق است. بر بنیاد این اصل، زنده‌گی خوب عبارت از زنده‌گی عاشقانه است، چه زنده‌گی شاد باشد یا ناشاد.

انقلاب عشق

لوک فری معتقد است که اصل پنجم معنا با رویدادی در حوزه خصوصی زنده‌گی انسان‌ها پدیدار گشت و آن گذار از خانواده سنتی مبتنی بر ازدواج مصلحتی به خانواده مدرن مبتنی بر ازدواج عاشقانه بود که از عصر صنعتی شدن آغاز شد و تا پایان جنگ جهانی دوم به الگوی غالب ازدواج و تشکیل خانواده در اروپا و سراسر جهان مبدل شد.

گذار از ازدواج مصلحتی به ازدواج عاشقانه، پیامدهای

بسیاری داشت که مهم‌ترین آن وارد کردن عنصر فرزنددوستی و ابداع طلاق در نهاد خانواده بود.

او می‌نویسد که در قرون وسطا فلسفه فرزندآوری انتقال وراثت و انگیزه‌های اقتصادی مانند فراهم کردن نیروی کار برای مدیریت مزرعه بود. نظام کار دست‌مزدی وجود نداشت و خانواده‌ها فرزندان بسیاری می‌آوردند تا از نیروی کار آن‌ها برای مدیریت مزرعه‌های‌شان استفاده کنند. در آن زمان مردم کمتر فرزندان‌شان را دوست داشتند و حتا از مردن یک نوزاد به اندازه مردن یک اسب متأثر نمی‌شدند.

اما با ظهور خانواده مدرن مبتنی بر ازدواج‌های عاشقانه، پدیده فرزنددوستی نیز شکل گرفت و فرزندان به چنان جایگاه عظیمی دست یافتند که در تاریخ بی‌پیشینه بود.

شکل‌گیری عشق به فرزند و ورود این عنصر به نهاد خانواده، پیامدهایی برای تمام حوزه‌های زنده‌گی داشت و در واقع معنای جدیدی برای آن فراهم کرد.

حوزه سیاست

تأثیر سیاسی انقلاب عشق و شکل‌گیری فرزنددوستی این بود که در حوزه سیاست مساله جدیدی به نام مساله نسل‌های آینده را مطرح کرد. مصداق بارز آن، ظهور جنبش‌های زیست‌محیطی است. امروزه معنای حاکم در زنده‌گی سیاسی این است که ما بزرگسالان مسوولیم جهان بهتری برای آن‌هایی که بیش از همه دوست داریم، بگذاریم: کودکان‌مان.

همچنان امروزه دیگر آن چیزی که ما را به فداکاری وامی‌دارد، اصول انتزاعی ملت و انقلاب نیست که در عصر اومانسیسم اول یا اومانسیسم خرد بود. فلسفه‌های واسازی نشان دادند که چگونه اومانسیسم خرد با وجود آن‌که از ارزش‌های جهان‌شمول مانند حقوق بشر و برابری انسان‌ها صحبت می‌کند، اما در عمل در دام ملی‌گرایی، نژادپرستی و استعمارگری گرفتار شد، بلکه امروزه آن‌چه ما را به فداکاری وامی‌دارد، عشق به همسایه است. همسایه به معنای انجیلی کلمه. عشق به همسایه از ما دخالت فعال را در امور مربوط به سرنوشت دیگران طلب می‌کند. ظهور نهادهای خیریه از جمله نهاد صلیب سرخ، مصداق این امر است. مزیت این اصل جدید، فداکاری آن است که مانند اصول دیگر کشتن توجیه را نمی‌کند.

آموزش و پرورش و هنرها

لوک فری در این کتاب از تأثیر اصل پنجم معنای زنده‌گی بر حوزه آموزش و پرورش سخن گفته و می‌نویسد که انقلاب عشق برای این حوزه‌ها نیز مانند حوزه خانواده پیامدهای مثبت و منفی داشته است. او برای آن‌که پیامدهای مثبت و منفی انقلاب عشق در این حوزه را شناسایی کند، می‌گوید که هر تعلیم و تربیت موفق باید این سه عنصر را در نظر بگیرد: عشق، قانون و آثار. او این سه عنصر را سه بعد مسیحی، یهودی و یونانی تربیت اروپایی می‌داند.

تربیت اروپایی عشق را از مسیحیت به میراث برده است. عشق یا دوست داشتن کودک، باعث می‌شد که او در بزرگسالی دارای عزت نفس بوده و قابلیت

تاب‌آوری‌اش در برابر مشکلات افزایش یابد. تربیت یعنی این‌که به کودک باید احترام به قانون آموزش داده شود و این چیزی است که ما از یهودیت به میراث برده‌ایم که دین قانون است. احترام به قانون، کودکان را وارد فضای مدنیت می‌کند. آثار یعنی این‌که باید کودکان‌مان با آثار اروپایی و منابع بنیادین دانش آشنا شوند.

او بدین عقیده است که اگرچه انقلاب عشق در خانواده‌ها باعث شده که کودکان مجالی برای اظهار نظر و پرورش عزت نفس در خود پیدا کنند، اما این عشق مفرط باعث شده که در تربیت آن‌ها توجه به قانون و آثار کم‌رنگ شود. کودکان امروزی نه آن سخت‌کوشی نیچه را دارند که در پانزده‌ساله‌گی ۹۰ صفحه به زبان یونانی درباره مزیت‌های تطبیقی سوفوکل و اورپید می‌نوشت و نه والدین‌شان آن اقتدار حداقلی بر فرزندان را دارند که بدون آن تعلیم و تربیت دشوار است. همچنان او بدین عقیده است که انقلاب عشق باعث سه اشتباه در سطح تعلیمی نیز شده است که عبارت‌اند از: ستایش جوانی، ظهور کودک همچون سلطان و تعلیم «هویج/زردک و چماق». پیامد مجموع این اشتباهات این بوده که امروزه در فرانسه با این سه مشکل مواجه هستیم: ۱) افزایش عظیم بی‌سوادی. دانش‌آموزان از مکتب فارغ می‌شوند، اما همچنان بی‌سواد باقی می‌مانند؛ ۲) افول مدنیت و خشونت در مکاتب؛ ۳) هر ساله ۱۵۰ هزار تن از نظام آموزشی بدون داشتن گواهی‌نامه یا آزمون عمومی خارج می‌شوند که این نشان‌دهنده شکست حقیقی نظام آموزشی ما است.

او پس از آن‌که این مشکلات را مطرح می‌کند، می‌گوید اگرچه سرچشمه این مشکلات عشق است، راه حل آن‌ها نیز عشق به کودکان است. ما برای آن‌که کودکان‌مان را دوست داشته باشیم، باید دوباره اقتدار حداقلی والدین را در خانواده‌ها احیا کنیم. این اقتدار با اقتدار سنتی تفاوت خواهد داشت. اقتداری خواهد با تقدم عشق. خانواده‌ها باید تربیت کودکان را برعهده بگیرند و در آن‌ها روحیه قانون‌گرایی را ایجاد کرده و آن‌ها را با آثار بنیادین تمدن غربی آشنا بسازند. وظیفه آموزش برعهده مکاتب گذاشته شود و از آموزگاران توقع تربیت کودکان را نداشته باشیم. از ستایش اغراق‌آمیز فرهنگ جوانی و کم‌بها دادن به فرهنگ بزرگسالی باید پرهیز کرد و دوباره شکل سلسله‌مراتبی نظارت را میان دانش‌آموز و آموزگار برقرار ساخت.

عشق و مرگ

«اگر عشق آن چیزی است که به زنده‌گی معنا می‌دهد، با مرگ چه کنیم که زنده‌گی را متوقف می‌سازد؟» «آیا عشق پاسخ واقعی به مساله مرگ نیز دارد یا خیر؟» این پرسش از آن جایی مهم است که تمام فلسفه‌ها در واقع پاسخی برای مساله مرگ‌اندیشی‌اند.

لوک فری در پاسخ به این پرسش، این دو نکته را مطرح می‌کند:

۱) ناکامی تمام فلسفه‌های مرگ. او به نقل از لاروشفوکو در کتاب «راه‌های رستگاری» می‌گوید: «هیچ چیز به اندازه تلاشی که فلاسفه برای متقاعد کردن ما به خوار شمردن مرگ انجام داده‌اند، هولناکی مرگ را ثابت نمی‌کند... منطقی است که درباره نادرستی خوار شمردن مرگ چیزی بگوییم.» این تنها دین است که با پرسش مرگ درست مواجهه می‌کند و از آن طفره نمی‌رود. مثلاً مسیحیت بدون طفره رفتن به ما همان چیزی را وعده می‌دهد که می‌خواهیم: رستاخیز روح‌ها و بدن‌ها. اما فلسفه هر قدر که تلاش می‌کند برای این پرسش پاسخ بیابد، فقط طفره می‌رود.

۲) عشق نیز قادر به طرح پرسش معنای زنده‌گی نیست، بلکه از معنایی در زنده‌گی صحبت می‌کند؛ یعنی برای پس از مرگ چیزی ندارد بگوید، بلکه برای زنده‌گی پیشنهادهایی دارد.



لوک فری برای بیان منظور خود از فلسفه عشق، در نخست فلسفه را تعریف می‌کند. به باور او فلسفه نه عبارت از هنر عام استدلال است و نه تمرینی برای اندیشه انتقادی، بلکه عبارت است از جست‌وجوی غیرمذهبی زنده‌گی خوب یا آن‌چه او «معنویت سکولار» و «آموزه رستگاری بدون خدا» می‌نامد. او می‌گوید بشریت از عهد باستان تا پیش از مرحله انقلاب عشق چهار معنای زنده‌گی یا چهار آموزه رستگاری را زیسته است:

در کشور شما الگوی غالب ازدواج، ازدواج‌های سنتی و مصلحتی است یا ازدواج‌های عاشقانه؟ آیا هنوز والدین‌تان برای شما همسر انتخاب می‌کنند یا با کسی ازدواج می‌کنید که دوستش دارید؟ آیا می‌دانید که الگوی غالب ازدواج در یک کشور بر سپهر سیاست، آموزش و پرورش و هنرها در آن کشور نیز تأثیر می‌گذارد؟

شاید پرسش اخیر برای اکثر ما گیج‌کننده باشد؛ زیرا این پرسش همه آن اصولی را که تا هنوز درباره سیاست از بدیهیات و مسلمات فرض می‌کردیم، نادیده می‌گیرد. یکی از اصولی که فیلسوفان سیاسی بر آن تأکید می‌کنند، جدایی حوزه خصوصی از حوزه عمومی است و دیگر این‌که سیاست هنر مدیریت منافع است، نه احساسات. در حالی که سخن گفتن از تأثیر عشق و ازدواج بر سپهر سیاست هم جدایی حوزه خصوصی از عمومی را نقض می‌کند و هم احساسات را وارد دنیای سیاست می‌سازد.

اگر این پرسش برای‌تان گیج‌کننده است، پیشنهاد می‌کنم ببینید با هم کتاب «درباره عشق: فلسفه‌ای برای قرن بیست‌ویکم» اثر لوک فری، فیلسوف و دولت‌مرد معاصر فرانسوی، را مرور کنیم تا بدانیم که چگونه تبدیل شدن ازدواج‌های عاشقانه به الگوی غالب در اروپا معنای جدیدی برای زنده‌گی خلق کرده و سپهر سیاست، آموزش و پرورش، هنرها و همه عرصه‌های زنده‌گی را متأثر ساخته است. تا جایی که دیگر نمی‌توان با فلسفه‌های پیشین این تحولات را تبیین کرد و برای این امر نیاز به یک فلسفه جدید داریم. او این فلسفه جدید را «فلسفه عشق» می‌نامد. این کتاب توسط نرگس حسن‌لی به فارسی ترجمه شده و نشر بان آن را منتشر کرده است.

فلسفه و معنای زنده‌گی

لوک فری برای بیان منظور خود از فلسفه عشق، در نخست فلسفه را تعریف می‌کند. به باور او فلسفه نه عبارت از هنر عام استدلال است و نه تمرینی برای اندیشه انتقادی، بلکه عبارت است از جست‌وجوی غیرمذهبی زنده‌گی خوب یا آن‌چه او «معنویت سکولار» و «آموزه رستگاری بدون خدا» می‌نامد.

او می‌گوید بشریت از عهد باستان تا پیش از مرحله انقلاب عشق چهار معنای زنده‌گی یا چهار آموزه رستگاری را زیسته است:

۱) اصل کیهان‌شناختی: بر بنیاد این اصل، زنده‌گی خوب عبارت از زنده‌گی‌ای است که در هماهنگی با نظم کیهانی باشد. این اصل با او دیسه هومر و سفرهای اودیسیوس آغاز می‌شود. در اودیسه هومر، هدف ماجراهای اودیسیوس سفر از آشوب اولیه به هماهنگی با کیهان یا بازیابی جایگاه طبیعی‌اش در نظم سلسله‌مراتبی است.

۲) اصل الهیاتی: این اصل اما زنده‌گی خوب را نه در هماهنگی با نظم کیهانی، بلکه در تبعیت یا فرمان‌برداری از فرمان‌های الهی می‌داند. او تاریخ فرمان‌روایی این اصل بر زنده‌گی انسان‌ها را زمان چیره



باشگاه فوتبال آشمیلان چارلزدی کتله را خریداری می کند

باشگاه فوتبال آشمیلان اعلام کرده است که بر سر انتقال چارلز دی کتله با باشگاه کلوب بروژ به توافق رسیده است. این باشگاه سه شنبه شب، ۲ اگست، تایید کرده که قرار است برای خرید این بازیکن ۲۷ میلیون پوند به باشگاه کلوب بروژ بپردازد.

قرار است این بازیکن ۲۱ ساله، ۵ فصل برای باشگاه میلان بازی کند.

این باشگاه در حالی از توافق بر سر انتقال دی کتله خبر می دهد که تیم های لیدز یونایتد و لستر سیتی نیز به دنبال جذب این بازیکن بودند.

چارلز دی کتله بلژیکی، سه فصل در لیگ بلژیک برای تیم کلوب بروژ توب زد.

این هافبک تهاجمی در مدت سه فصل، ۹۰ بازی انجام داده و ۱۹ گل برای این تیم به ثمر رسانده است.



نخستین دور رقابت های مبارزات آزاد به قهرمانی لوگر پایان یافت

۸ صبح، لوگر: مسوولان اداره ورزش و ولایت لوگر از پایان رقابت های مبارزات آزاد تحت عنوان «شب قهرمانان لوگر» خبر می دهند.

این مسابقات روز دوشنبه، ۱۰ اسد، میان ۱۰۰ ورزشکار از شش ولایت خبر برگزار شد.

در این رقابت ها ورزشکاران مبارزات آزاد از ولایت های کابل، خوست، پکتیا، کاپیسا، کنر و لوگر در داخل قفس باهم رقابت کردند که لوگر در جایگاه نخست، کابل در جایگاه دوم و پکتیا در جایگاه سوم قرار گرفت.

وحیدالله صحرایی، سرکتر جنرال ورزش های رزمی افغانستان، به روزنامه ۸ صبح گفت که این مبارزات به هدف انتخاب چهره های برتر و راه یابی آنان به تیم ملی کشور برگزار شد.

حسین الله حیدری، یکی از برگزارکنندگان این رقابت ها، به روزنامه ۸ صبح می گفت که راه اندازی چنین رقابت ها برای تقویت و رشد ورزش مهم است تا در آینده ورزشکاران بتوانند از این طریق به مبارزات ملی و بین المللی راه یابند.

گفتنی است که چندی قبل رقابت های مبارزات آزاد میان ۱۸ ولایت در پکتیا راه اندازی شده بود.

بررسی روابط سیاسی چین و روسیه



خواجه عبدالنصیر صدیقی

دیگری نظیر انتی هژمونسیسم (ضدیت با سلطه قدرت ها بر ممالک جهان سوم) نیز با هدف تثبیت جایگاه چین به عنوان رهبر جهان سوم مطرح شده است. تیوری سه جهان، حاوی چند پیام است، از جمله این که اولاً، چین خود را متعلق به جهان سوم می داند و به خاطر عادی سازی روابط با امریکا به آن ها پشت نمی کند و ثانیاً، شوروی صلاحیت رهبری ملل جهان سوم را ندارد.

پس از به قدرت رسیدن دنگ و آغاز عصر اصلاحات، ایده تبدیل چین به قدرت بزرگ با سیاست خارجی مستقل اوج گرفت. بیجینگ در این زمان علاوه بر تنش زدایی با غرب و حتا تلاش برای عادی سازی روابط خصمانه با شوروی، سیاست مقاومت در برابر دخالت های دو ابرقدرت را دنبال کرد. حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ و احیای جو تخصص بین امریکا و شوروی، فرصت نوینی را برای چینی ها فراهم کرد. اگر چه اصلاحات باعث تقویت نگاه فرصت طلبانه چین به ممالک جهان سوم شد، اما بیجینگ همچنان خود را هوادار آن ها معرفی می کرد. سیاست هسته ای چین، نمودی از این هواداری است. این کشور ضمن تأکید بر تهدید جهان توسط تسلیحات ابرقدرت ها، معتقد بود که خلع سلاح - اعم از هسته ای یا متعارف - بایستی ابتدا از امریکا و شوروی آغاز شود. بیجینگ همچنین به ایده تضمین امنیت دولت های غیرهسته ای توسط قدرت های هسته ای بدبین و معترض بود. چینی ها مدعی بودند که برنامه های هسته ای شان با مقاصد دفاعی طراحی و اجرا شده است و این روند زمانی قابل توقف خواهد بود که خلع سلاح کامل توسط قدرت های دیگر پذیرفته شود.

در سال های پایانی دوره جنگ سرد، کشتار میدان تیان آنمن به اعتبار و مسوولیت پذیری چین آسیب جدی وارد کرد و برای مدتی جایگاه بین المللی این کشور را متزلزل ساخت. سیاست مشت آهنین حزب کمونیست در برابر معترضان از یک سو و پایان جنگ سرد با پیروزی ایالات متحده (گرایش نوین ممالک جهان سوم به غرب) از سوی دیگر، سیاست رهبری جهان سوم توسط بیجینگ را تحت تأثیر قرار داد؛ اما سران چین با آگاهی از واقعیت های جاری جهان مجدداً در دهه ۱۹۹۰ خیز جدیدی برای ترمیم قدرت ملی و موقعیت بین المللی متناسب با شرایط جدید برداشتند. از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، سیاست خارجی چین بر مبنای استراتژی بزرگ این کشور در جهت تبدیل شدن به قدرتی آسیب ناپذیر، بازسازی شد.

تغییر مهمی که از این دوره بارز شد، این بود که چین سعی کرد خود را قدرت رو به پیشرفت اما مسوول و متعهد به هنجارهای بین المللی نشان دهد. علاوه بر نقش فعال در حفاظت از صلح و ثبات در مناطق پیرامونی، با اقداماتی نظیر ایفای وساطت برای کاهش تنش های کوریا، همکاری در تشکیل گروه شانگهای پنج و سپس سازمان همکاری

شانگهای، کمک به مهار بحران مالی آسیای جنوب شرقی و توسعه همکاری با آسه آن، چین در سطح سیستم بین الملل نیز با رژیم های بین المللی تحت رهبری امریکا هماهنگ تر شد. حمایت از رژیم منع گسترش هسته ای (NPT) و محکوم کردن آزمایش های هسته ای در دیگر کشورها از جمله پاکستان، مصداقی از مسوولیت پذیری نوین بیجینگ است. دیپلماسی مبتنی بر استراتژی بزرگ چین بعدها با سازوکارهای جدیدتری نظیر همکاری در جنگ با تروریسم و همکاری در مهار بحران مالی جهانی دنبال شد.

شاخص های قدرت ملی چین نیز در دوره اخیر رشد چشم گیری داشته است. در جریان بحران مالی جهان که از سال ۲۰۰۸ نمایان شد، اقتصاد چین بسیار مقاوم تر ظاهر شد. طی دو دهه اخیر، چین خیره کننده ترین رشد را در میان قدرت های بزرگ تجربه کرده است. رشد اقتصادی چین موجب تقویت نفوذ سیاسی آن در جهان شده است. با این حال، چینی ها خیز آرام و بی سروصدايي را برنامه ریزی کرده و قصد ندارند خود را تهدیدی خطرناک برای رقبا، خصوصاً امریکا، نشان دهند. سران بیجینگ معمولاً این پیام را القا می کنند که چین دولتی حامی صلح و ثبات در سراسر جهان بوده و متعهد به اصول، قواعد و هنجارهای به رسمیت شناخته شده بین المللی در حوزه های مختلف از جمله امنیت بین الملل و تجارت آزاد است.

همگرایی با روسیه و تشکیل ائتلاف سازمان همکاری شانگهای - که از سوی برخی ناظران به عنوان ناتوی شرق تلقی شده - از دیگر مجاری اجرای سیاست مهار یک جانبه گرایی امریکا بوده است. سازمان شانگهای در واقع یکی از کانون های اصلی مخالفت با جهان تک قطبی است. چین اگر چه در برخی قضایا از جمله نفوذ در آسیای مرکزی با روسیه اختلاف دارد، اما با توجه به اتفاق نظر دو کشور در این که یک جانبه گرایی امریکا تهدیدی جدی علیه امنیت ملی شان است، برای مقابله در برابر آن با یکدیگر متحد شده و به صورت سدی (ولو نه چندان مطمئن) در برابر مداخلات ائتلاف تحت رهبری امریکا در امور کشورهای مخالف هژمونی امریکا عمل می کنند. این موضوع از عوامل مهم نزدیکی مواضع دو قدرت در قضایای حمله به افغانستان، دخالت نظامی ۲۰۰۳ امریکا در عراق و بحران هسته ای کوریا شمالی، بحران هسته ای ایران و گسترش ناتو به شرق بوده است.

علاوه بر آن، چین برای مدرنیزاسیون نظامی خویش - با توجه به این که عملاً تحت تحریم تسلیحاتی غرب قرار دارد - تا حدی از همکاری روسیه استفاده کرده است. در نتیجه می توان نتیجه گیری کرد که چین و روسیه با وجود اختلافات تاریخی و سیاسی، در تقابل با جهان غرب همگرا عمل می کنند و هنوز جامه سرخ تفکر سوسیالیسم مدرن نقطه وصل آن ها است.

در دوره جنگ سرد، هدف استراتژیک چین این بود که با ایجاد جهش بزرگ در قدرت ملی و موقعیت بین المللی خویش کانون قدرت دیگری در کنار امریکا و شوروی ایجاد کند. در دهه ۱۹۵۰، دولت نوانقلابی مائو ابتدا در نظر داشت از طریق برقراری همکاری نزدیک با شوروی، ضمن استفاده از کمک های این کشور، فشارهای غرب را تا حدی خنثا کند. در این دهه، چین برای مدتی در سیاست خارجی دنباله رو شوروی بود. سیاست خارجی چین ابتدا بر این فرض استوار بود که همبستگی نزدیک با شوروی و دیگر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی در برابر اردوگاه امپریالیسم سرمایه داری، امری ضروری است. در این راستا، چینی ها در جنگ کوریا با حمایت جدی از کوریا شمالی مانع پیشروی نیروهای امریکا و سازمان ملل متحد شدند. چین در عین حال از میانه های دهه ۱۹۵۰ برای توسعه نفوذ و ایفای نقش رهبری در جهان سوم فعالانه تلاش می کرد. با آشکار شدن و افزایش نشانه های اختلاف بین مسکو و بیجینگ، چینی ها تصمیم گرفتند راه خویش را مستقل و فعال طی کنند. افکار ضد استالینی و اصلاح طلبانه نیکیتا خروشچف در جدایی بیجینگ از مسکو و جبهه گیری در برابر آن نقش مهمی داشت. از آن به بعد، شوروی نیز به اعمال فشار بر چین روی آورد. برای مثال، در حالی که روس ها طی توافق سری در سال ۱۹۵۷ متعهد شده بودند برای تجهیز چین به سلاح اتمی کمک های فنی لازم را اعطا کنند، بعداً از آن عقب نشینی کردند. تشدید اختلاف های دو کشور، چین را در گرایش به جهان سوم نیز مصمم تر کرد. چینی ها در دهه ۱۹۶۰ ضمن استمرار نفوذ در جهان سوم - که با حمایت از حرکت های انقلابی کمونیستی همراه بود - توانستند گام های بزرگ دیگری در بهبود جایگاه بین المللی خویش بردارند. در حالی که امریکا و شوروی پس از بحران کوبا وارد فرایند تنش زدایی شده بودند، چین با موفقیت در انجام آزمایش اتمی و انفجار بمب های ابردروجنی اراده محکم خویش برای قرار گرفتن در ردیف قدرت های برتر جهانی را به نمایش گذاشت. در ابتدای دهه ۱۹۷۰، به دنبال آغاز تنش زدایی با امریکا و متحدانش و همچنین ورود رسمی به سازمان ملل، جایگاه بزرگی چین رسمیت یافت.

در سال ۱۹۷۴، در حالی که امریکا و شوروی روند تنش زدایی را پی گیری می کردند، مائو تیوری سه جهان را به عنوان مبنای نظری سیاست خارجی چین معرفی کرد. طبق این تیوری، جهان اول متشکل از ایالات متحده و شوروی است؛ جهان دوم شامل کشورهایی چون قدرت های اروپایی، جاپان و کانادا است و بقیه کشورها از جمله چین به جهان سوم تعلق دارند. در کنار سه جهان، ایده های

صبح

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سر دبیر: حسین بهش
تحلیل گران: یونس نگاه و امین کاوه
دبیر گزارش ها: حسین حیدری
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل

دبیر بخش ویدیو: محمد نصیر کاوشگر
خبرنگاران: محمد حسین نیک خواه، محمد فرهنگ
ویراستاران: محمد علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

بربنیاد گزارش‌ها، وبسایت ریاست جمهوری تایوان مورد حمله سایبری خارج از این کشور قرار گرفته است. خبرگزاری رویترز روز سه‌شنبه، ۲ اگست، به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده است که وبسایت دفتر ریاست جمهوری تایوان امروز مورد حمله سایبری خارج از این کشور قرار گرفته و در مقطعی دچار اختلال شده است. این منبع افزوده است که این وبسایت به‌زودی دوباره آنلاین شد. این در حالی است که با وجود هشدار چین، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا ممکن است اواخر امروز وارد تایپه، پایتخت تایوان، شده و از این کشور بازدید کند.

بزرگ‌ترین آتش‌سوزی سال در کالیفرنیا آمریکا جان ۲ تن را گرفت

صدها آتش‌نشان برای مهار آتش‌سوزی جنگلات به شمال کالیفرنیا اعزام شده‌اند. خبرگزاری دان روز سه‌شنبه، ۲ اگست، گزارش داده است که این آتش‌سوزی تا حال دو قربانی در پی داشته و هزاران نفر وادار به ترک خانه‌هایشان شده‌اند. گفته می‌شود که آتش‌سوزی مک‌کینی، بزرگ‌ترین آتش‌سوزی امسال در ایالت کالیفرنیا است که تا کنون، ۵۵ هزار و ۴۹۳ هکتار زمین را ویران کرده است. آتش‌سوزی صبح دوشنبه، ۱ اگست، اصلاً مهار نشد زیرا دمای شدید و بادهای تند، تلاش بیش از ۸۵۰ آتش‌نشان مستقر برای مقابله با آتش‌سوزی را با مشکل مواجه کرده است. کالیفرنیا و سایر بخش‌های غربی ایالات متحده در سال‌های اخیر تحت تأثیر آتش‌سوزی‌های عظیم جنگلی قرار گرفته‌اند که ناشی از سال‌ها خشک‌سالی و گرم شدن آب‌وهوا بوده است.



آلمان فعالیت سه نیروگاه هسته‌ای تولید انرژی را به دلیل خطر بالقوه کمبود گاز متوقف نمی‌کند

نگرانی فزاینده در مورد تأثیر بالقوه قطع گاز روسیه، بحث عدم توقف فعالیت سه نیروگاه هسته‌ای آلمان را طبق برنامه تا پایان سال جاری مطرح کرده است. خبرگزاری دولتی روسیه روز سه‌شنبه، ۲ اگست، گزارش داده که در اواسط ماه جولای، روسیه عرضه گاز طبیعی از طریق خط لوله نورد‌استریم ۱ به آلمان را به ۲۰ درصد از ظرفیت مجموعی این خط در اوج تنش‌ها بر سر جنگ در اوکراین کاهش داد. روسیه علت کاهش گاز را مسایل فنی عنوان می‌کند، اما آلمان آن را تنها بهانه‌ای برای یک بازی سیاسی خوانده است.

حدود یک سوم کل گاز مورد نیاز آلمان از روسیه تامین می‌شود و این نگرانی وجود دارد که روسیه به طور کامل صدور گاز به این کشور را متوقف کند.



چین در واکنش به سفر پلوسی به تایوان عملیات نظامی اجرا خواهد کرد



کرد که چین هرگز تسلیم این قبیل اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا در تایوان نخواهد شد. این وزارت‌خانه هشدار داد که سفر پلوسی به تایوان، پیامدهای بزرگی بر مناسبات پکن با واشینگتن دارد و این سفر پیام‌های اشتباهی را به نیروهای جدایی‌طلب تایوان می‌فرستد. رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، به رغم هشدارهای چین نسبت به این بازدید و بی‌اعتنا به تهدیدهای پکن مبنی بر سرنگونی هواپیمای او، روز سه‌شنبه وارد جزیره تایوان شد. وی با تأکید بر این که سفرش به تایوان «منافاتی با سیاست ایالات متحده ندارد»، افزود: «حمایت ما از مردم تایوان بیش از هر زمان دیگری است.» به گزارش «خبرگزاری تایوان»، پلوسی روز چهارشنبه با رئیس‌جمهور تایوان دیدار خواهد کرد.

وزارت دفاع چین اعلام کرد که ارتش این کشور در واکنش به سفر نانسو پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، به تایوان عملیات نظامی را اجرا خواهد کرد و متناسب با تهدیدات دشمن، نیروهای خود را مستقر خواهد کرد. شبکه هبری العریبه روز چهارشنبه، ۳ اگست، گزارش داده است که وزارت امور خارجه چین روز سه‌شنبه، ۲ اگست، در واکنش به سفر پلوسی با «قلدرمابانه» توصیف کردن اقدامات آمریکا، اعلام کرد که این اقدام، پایان خوشی برای آمریکایی‌ها نخواهد داشت. وزارت خارجه چین آنچه را که «بی‌وفایی عامدانه آمریکا» به اصل «چین واحد» نامید، محکوم کرد و افزود که آمریکایی‌ها در رابطه با مسئله تایوان، با آتش بازی می‌کنند. وزارت خارجه چین با بیان این‌که ایالات متحده به بزرگ‌ترین تهدید علیه صلح جهانی تبدیل شده، تأکید



رئیس مجلس نمایندگان آمریکا: «مقام‌های حکومتی آمریکا به تعهداتشان در حمایت از تایوان پایبند باشند»

نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، از مقام‌های این کشور خواسته است تا وعده خود را برای حمایت از تایوان به خاطر بسپارند. خبرگزاری تاس روز سه‌شنبه، ۲ اگست، گزارش داده است که نانسو پلوسی در سفرش به تایوان یادآور شده است که «قانون، تعهد آمریکا به تایوان دموکراتیک را تعیین می‌کند و چارچوبی را برای یک رابطه اقتصادی و دیپلماتیک فراهم می‌کند که به سرعت به یک مشارکت کلیدی منجر می‌شود.» در همین حال، واشینگتن گفته است که در برابر تعهدش وفادار خواهد ماند و از دفاع تایوان حمایت می‌کند. نانسو پلوسی خاطر نشان کرده است: «هرگونه تلاشی که برای تعیین آینده تایوان به غیر از روش‌های صلح‌آمیز در نظر گرفته شود، تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه غربی اقیانوس آرام و نگران‌کننده است.» سفر پلوسی به تایوان اولین سفر یک مقام بلندپایه آمریکایی به این جزیره در ۲۵ سال گذشته است. در همین حال، واشینگتن می‌گوید که پکن ممکن است اقداماتی را انجام دهد که می‌تواند منجر به بحران شود.

تایوان در حال تدارک پناهگاه‌های امن زیرزمینی در صورت حمله چین است

تایوان در حال آماده‌سازی پناهگاه‌های امن زیرزمینی است تا در صورت حمله چین بتواند از شهروندان دفاع کند. رویترز روز سه‌شنبه، ۲ اگست، گزارش داده است که تایوان پناهگاه‌های غیرمعمول را آماده می‌کند تا در صورت حمله موشکی چین مردم بتوانند به این پناهگاه‌ها پناه ببرند. پناهگاه‌های تایوان شامل توقف‌گاه‌های

زیرزمینی، سیستم‌های مترو و مراکز خرید زیرزمینی است. پایتخت تایوان بیش از ۴۶۰۰ پناهگاه دارد که می‌تواند حدود ۱۲ میلیون تن را در خود جای دهد که بیش از ۴ برابر جمعیت این کشور است. تایوان پس از آن دست به ساخت پناهگاه‌های امن زده که تنش‌ها میان این کشور و چین افزایش یافته است.



نگرانی اشتراک‌کننده‌گان نشست جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای: جهان در یک قدمی «نابودی هسته‌ای» است

آتی برای اجرای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موافقت کنند. فوميو کیشیدا، نخست‌وزیر جاپان، گفت که اختلافات در جهان از زمان آخرین کنفرانس بازنگری در سال ۲۰۱۵ که بدون سند اجماع به پایان رسید، بیشتر شده است و تأکید کرد که تهدید روسیه برای استفاده از سلاح هسته‌ای در جنگ اوکراین «به نگرانی جهانی از این موضوع کمک کرده است.» آلان بایروک، وزیر خارجه آلمان، روسیه را به «تقض بی‌رحمانه تضمین‌هایی» که در سال ۱۹۹۴ به اوکراین داده بود، متهم کرد و گفت که «لفاظی‌های هسته‌ای بی‌ملاحظه» مسکو از زمان تهاجم به همسایه کوچک‌ترش،

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد با اشاره به جنگ در اوکراین و تهدیدات هسته‌ای در آسیا و خاورمیانه به جهان هشدار داد که «بشریت تنها یک سوءفهم، یک اشتباه محاسباتی تا نابودی هسته‌ای فاصله دارد.» گوترش، این اظهارات را در افتتاحیه نشست بررسی معاهده تاریخی ۵۰ ساله با هدف جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و دستیابی به جهانی عاری از سلاح هسته‌ای بیان کرد. خطر افزایش تهدیدات هسته‌ای و فاجعه هسته‌ای نیز توسط آمریکا، جاپان، آلمان، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بسیاری دیگر از سخنرانان افتتاحیه در این نشست مطرح شد تا پیشرفت‌ها را بررسی کنند و با اقدامات

«هر آنچه این پیمان در پنج دهه گذشته به دست آورده است را به خطر می‌اندازد.» رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گفت که درگیری اوکراین آنقدر جدی است که شیخ یک رویارویی یا حادثه هسته‌ای احتمالاً دوباره سر و حشمتناک خود را بالا برده است. این در حالی است که تاکنون تنها مورد استفاده از بمب اتمی در جریان جنگ جهانی دوم از سوی آمریکا در برابر جاپان بوده است. بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، دو عملیات اتمی بودند که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری جاپان انجام شدند.